

بررسی تطبیقی حقوق ایران و فرانسه در خصوص پیشگیری از جرایم با تأکید بر جرایم مربوط به ارتشا

محمد مختاری^۱، فرشید ملکی^۲

^۱ عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی کنگاور

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی کنگاور

چکیده

این پژوهش با عنوان «بررسی تطبیقی حقوق ایران و فرانسه در خصوص پیشگیری از جرایم با تأکید بر جرایم مربوط به ارتشا» به تبیین و تحلیل اشتراکات و افتراقات نظام حقوقی ایران و فرانسه در حوزه جرایم مرتبط به ارتشا می‌پردازد.

هدف اصلی: بررسی تطبیقی حقوق ایران و فرانسه در خصوص پیشگیری از جرایم با تأکید بر جرایم مربوط به ارتشا.
سوال اصلی: نظام حقوقی ایران و فرانسه در خصوص پیشگیری از جرایم بخصوص جرایم مربوط به ارتشا چه اشتراکات و افتراقاتی دارند؟

فرضیه اصلی: نظام حقوقی ایران در روش و نحوه پیشگیری از جرایم مربوط به ارتشا عمدتاً رویکرد سرکوبگرانه داشته پیشگیری غیر کیفری و به خصوص پیشگیری وضعی را مورد توجه قرار نداده و همچنین در نظام حقوقی فرانسه هم‌گرایشی حداقلی به حقوق کیفری استنباط می‌شود و محور این قوانین به توسعه رویکرد پیشگیری بنا شده، با وجود این قوانین این کشور صرفاً پیشگیری وضعی را به عنوان بهترین و تنها گزینه برای پیشگیری از جرم ارتشا معرفی نکرده است.

یافته‌ها: مقنن ایران و فرانسه در باب جرم رشوه در عین تفاوت دارای شباهت‌هایی نیز هستند که از آن جمله می‌توان به بحث عدم کفایت پیشگیری وضعی در کاهش جرم رشوه در این دو نظام حقوقی می‌توان اشاره کرد.
روش تحقیق: تحلیلی-توصیفی و متکی بر منابع کتابخانه‌ای بوده است.

واژه‌های کلیدی: حقوق ایران، حقوق فرانسه، پیشگیری، جرایم، ارتشا

مقدمه

جرم به عنوان مسئله‌ای مهم اقتدار حکومت‌های پیشامدرن و مدرن امروزی را به چالش کشیده و تضعیف کرده است. اکنون در عصری هستیم که جوامع با چالش‌ها و بحران‌های اجتماعی و سیاسی، گسترش جرم و انواع کژروی‌های اجتماعی مواجه شده‌اند. بنابراین، در این بستر بحران‌زا و جرم‌زا، اتخاذ سیاست‌های مناسب و مدیریت پیشگیرانه بیش از پیش ضرورت یافته است. تا چند دهه اخیر، برای کنترل و پیشگیری از روش‌های تقنینی و تنبیهی استفاده می‌شد. با پیچیده‌تر شدن جوامع، گستره، ماهیت و اشکال جرایم پیچیده‌تر و بسیار متنوع و به شدت بین‌المللی شده اند؛ برای نمونه، می‌توان به جرایم تروریستی به عنوان بارزترین مورد اشاره کرد. تا چند دهه پیش، در بین ابزارهای حکومت، ابزارهای کنترلی و اجبار بسیار قوی‌تر بودند. اما با وجود فربه بودن آنها، نه تنها جرایم کاهش نیافته‌اند، بلکه بسیار گسترش یافته‌اند. از این رو، یکی از مهم‌ترین مسائل در نزد حکومت‌ها، نخبگان حکومتی و نیز پژوهشگران معاصر این بوده است که چرا با وجود مدرن شدن حکومت‌ها، گسترش روش‌های کنترلی و تنبیهی و گسترش بوروکراسی، این پدیده کاهش نیافته است و در مقابل بسیار بیشتر از گذشته گسترش یافته است. از این رو، حکومت‌ها و پژوهشگران به این گرایش پیدا کرده‌اند که روش‌های جدیدی را جایگزین کنند یا دست‌کم آنها را مکمل روش‌های کنترلی و تنبیهی پیشین کنند.

بنابراین، به موازات گسترش این پدیده منفی، حکومت‌ها و نیز پژوهشگران دانشگاهی در صدد برآمدند که از روش‌های مکمل و مدرن فراحکومتی و چند ساحتی برای مبارزه و پیشگیری از گسترش جرایم استفاده کنند. از یک سو، حکومت و حکمرانی نیز ناگزیر پیچیده شده‌اند و از روش‌های یک سویه و قدیمی حکمرانی فاصله گرفته‌اند و به سمت روش‌های دو سویه و تعاملی یا همکاری‌جویانه با جامعه گرایش پیدا کرده‌اند. از سوی دیگر، با اثبات عدم کفایت روش‌های کنترلی و تنبیهی حکومتی، روش‌های «جامعه بنیاد» و «سیاست‌های پیشگیرانه اجتماعی» مطرح شده‌اند و اهمیت یافته‌اند. از این رو، تعداد درخور توجهی از کشورهای توسعه‌یافته و بعضاً در حال توسعه به سمت این سیاست‌ها گرایش پیدا کرده‌اند. در این بستر جهانی و اجتماعی، بسترشناسی اجتماعی جرم و نیز اندیشه‌ها و رویکردهای اصلاحی اهمیت یافتند و بر اندیشه‌های کنترلی و تنبیهی صرف اولویت یافتند. استفاده از رویکرد سیستمی در این تحقیق در ارتباط کامل با این دغدغه و اولویت بود. از آنجا که جامعه به مثابه یک کلیت مرتبط با هم است، جرم و ریشه‌های آن و مبارزه با آن نیز مستلزم نگاه همه‌جانبه و اقدامات پیشگیرانه و قاطع سیستمی با همکاری خرده نظام‌های خانواده، حکومت، دین، فرهنگ و نظام قضایی است. بنابراین، نمی‌توان این امر مهم را صرفاً بر عهده حکومت و نظام قضایی گذاشت، بلکه باید آمیزه‌ای از راهبردهای فرهنگی، قضایی، سیاسی و اجتماعی را به کار برد تا شاهد کاهش جرایم در جامعه ایران باشیم.

در جامعه ایران نیز جرایم تا حد درخور توجهی گسترش یافته‌اند. این پدیده به مثابه مسئله‌ای مهم توان و ظرفیت‌های کنترلی حکومت را به چالش کشیده است. در همین ارتباط، معاون وقت راهبردی قوه قضائیه در دی ماه ۱۳۹۳ چنین گفته است: «گزارش‌های ناجا یکی از شاخص‌های سنجش ماست و این گزارش‌ها حاکی از نابسامانی در کشور است. شاخص دیگر، وضعیت پرونده‌ها در دستگاه قضایی است. با رشد تصاعدی در پرونده‌ها روبرو بوده‌ایم که این موضوع هشداردهنده است». شاخص دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد گزارش‌هایی است که نهادهای نظارتی مانند سازمان بازرسی کل کشور ارائه می‌کنند؛ این گزارش‌ها نیز در شأن جامعه ما نیست. برخی از این گزارش‌ها که مربوط به پرونده‌های فساد هستند نشان می‌دهند که وضع جامعه ما مطلوب نیست. در چند دهه اخیر، در پاسخ به این پدیده رو به گسترش، تا حدی دستگاه قضایی و نیز پلیس به سمت رویکردهای اصلاحی در عرصه‌های نهادی، روشی و تقنینی گرایش پیدا کرده‌اند و به تدریج اندیشه و راهبردهای پیشگیری

اجتماعی در این دو نهاد مهم گسترش یافته‌اند. مسئله مهم آن است که با وجود تحولات و رویکردهای اصلاحی و تخصصی‌تر شدن نهادها، جرم در جامعه ما کاهش نیافته است. مسئله مهم این تحقیق آن است که «مدل و الگوی نظری سیستمی» - که در علوم سیاسی و جامعه‌شناسی سیاسی مطرح است - تا چه اندازه در راهکاریابی برای دستگاه قضایی و پلیس در ارتباط با پیشگیری از جرم، از ظرفیت و تاثیرگذاری برخوردار است؟

یکی از رویکردهای سیاست جنایی که در سالهای اخیر بیشتر مورد توجه حقوقدانان کیفری و جرم‌شناسان قرار گرفته، پیشگیری از وقوع جرایم است. لطامات و هزینه‌های اقتصادی که ارتکاب جرایم مختلف بر دولتها بار نموده، آنها را بر آن داشته تا نسبت به اندیشیدن راهکارهایی جهت حذف این معضلات و هم‌زمان از بین بردن یا به حداقل رسانیدن ارتکاب جرایم با پیشگیری از وقوع آنها ترغیب شوند. پیشگیری غیر کیفری، خود به دو نوع پیشگیری اجتماعی و پیشگیری وضعی تقسیم می‌شود (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۳: ۵۶۹) هر یک اصول و شرایط خاص خود را دارد. در این میان پیشگیری وضعی که ناظر بر موقعیتهای قبل از ارتکاب جرم و از بین بردن آنها به جهت حذف ارتکاب جرم است، با توجه به رویکردهای جدید در جرم‌شناسی و کیفر شناسی از جمله رویکرد مدیریتی خطر مدار به جرایم، دارای اهمیت بسیاری می‌باشد (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۸: ۷۳) چرا که از رهگذر آن، می‌توان موقعیت‌های جرم‌زا و همچنین افراد دارای تمایلات مجرمانه را کنترل نمود.

جرایم و مفساد اقتصادی نظیر ارتشا در دهه‌های اخیر به لحاظ منافع مالی سرشار آن، رشد قابل توجهی در سطح جهان داشته است و از طرق و روش‌های مختلف نظیر جرایم سازمان یافته فراملی، قاچاق مواد مخدر و تسلیحات و ... منافع مالی زیادی را نصیب مرتکبین ساخته است. این مهم قانونگذار ایرانی را وادار ساخته که در سالهای اخیر فساد را تعریف نماید. به استناد بند الف ماده یک قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد مصوب ۱۳۹۰/۸/۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام «هرگونه فعل یا ترک فعلی که توسط هر شخص حقیقی یا حقوقی به صورت فردی، جمعی یا سازمانی که عمداً و با هدف کسب هرگونه منفعت یا امتیاز مستقیم یا غیرمستقیم برای خود یا دیگری با نقض قوانین و مقررات کشوری انجام پذیرد یا ضرر و زیانی را به اموال، منافع، منابع یا سلامت و امنیت عمومی و یا جمعی از مردم وارد نماید نظیر رشا و ارتشا اطلاق می‌شود.» بنابر این جرم ارتشا، یکی از جرایمی است که به دلیل امکان تاثیرگذاری در نظام اقتصادی نه تنها در زمره جرایم و مفساد اقتصادی قرار می‌گیرد، بلکه می‌توان آن را از مهم‌ترین مصادیق فساد مالی و اقتصادی دانست (حسینی و بهره مند، ۱۳۹۱: ۱۲۸؛ دادخدایی، ۱۳۹۰: ۱۱۳) که در اسناد بین‌المللی نیز مورد تاکید قرار گرفته است و در واقع عنوان فساد، یک عنوان کلی است که مصادیقی از جمله ارتشا را دارا می‌باشد (دادخدایی، همان، ۸۲)

در کشور فرانسه حکم کلی رشوه در مواد ۱-۴۳۳ و ۱۱-۴۳۲ قانون جزا برای مجازات راشی و مرتشی آمده است. سیستم حقوقی فرانسه احکام قانونی متعددی را به جرم رشوه اختصاص داده است. از جمله در کتاب چهارم قانون جزای این کشور در بخش «جنایات و جنحه‌های علیه ملت، حکومت و کارمندان دولت» فصول زیر مرتبط با جرم رشوه می‌باشند: فصل دوم در خصوص «صدمات علیه ادارات دولتی ارتكابی به وسیله اشخاص عهده دار شغل دولتی» . فصل سوم در باب «صدمات علیه ادارات دولتی ارتكابی توسط بخش خصوصی» و فصل چهارم راجع به صدمات علیه (بی طرفی دستگاه قضایی) نسبت به دعاوی اقامه شده» و همچنین ضمن عنوان سوم در خصوص صدمات علیه قدرت عمومی احکام متعددی پیش بینی شده است. به مقررات فوق می‌توان قانون ۲۹ ژانویه ۱۹۹۳ را هم اضافه نمود.

برای پیشگیری از وقوع جرم در نظام حقوقی ایران و فرانسه تکنیک‌ها و روشهای مختلفی وجود دارد. با توجه به ارتباط برخی تکنیکها با جرم ارتشا و با توجه به این که تحولات و پیشرفت‌های تکنولوژی و فن‌آوری اطلاعات در سال‌های اخیر مورد

استفاده جرم شناسی نیز قرار گرفته است، بررسی تکنیک‌های پیشگیری وضعی در قوانین ایران و فرانسه را در دو حوزه پیشگیری وضعی سنتی-فنی (حفاظت یا تقویت حمایت از بزه دیده یا آماج بالقوه جرم- جلوگیری از تعارض منافع، اعلام داریی مقامات) پیشگیری وضعی فن اورانه (دشوار کردن ارتکاب جرم، بالا بردن خطر شناسایی جرم) مورد تجزیه و تحلیل قرار داد.

اهمیت و ضرورت انجام تحقیق

پیشگیری را می‌توان یکی از راهبردهای اساسی در حوزه کنترل اجتماعی بر شمرد که دربردارنده مجموعه راهکارهای مستقیم و غیر مستقیم با هدف ایجاد امکانات و موقعیت های بازدارنده از وقوع جرم و کجروی طراحی و تدوین می‌شود. اهمیت و کارآمدی پیشگیری، همواره توجه صاحب نظران نظام‌های جزایی و حوزه سیاست جنایی را به خود جلب کرده است. تجربه‌های دراز مدت نظام‌های کیفری و هم چنین یافته‌های تجربی چند دهه اخیر نشان می‌دهد که در صورت اجرای صحیح، پیشگیری راه حلی به مراتب کارآمدتر و موثرتر از راهبردهای پسینی مقابله است. این یافته‌ها نشان می‌دهند که پیشگیری، کاهش قابل توجه در نیروها و هزینه‌های مورد نیاز در کنترل اجتماعی در پی دارد. باید اذعان داشت که رویکرد جرم شناسانه نسبت به پیشگیری در طول تاریخ با دو نگرش متفاوت روبرو بوده است. برخی از جرم شناسان تعریف پیشگیری را در قالبی کلان تعریف کرده اند و برخی دیگر پیشگیری را در مفهوم خرد به کار بسته اند. جرم شناسان کلان نگر اعتقاد دارند هر اقدامی که علیه جرم صورت بگیرد و آن را کاهش دهد، پیشگیری نامیده می‌شود. برای اینان انواع تدابیر کیفری و غیرکیفری در هر مرحله ای (قبل از جرم یا بعد از آن) نوعی پیشگیری محسوب می‌گردد. بنابراین، تعقیب بزهکار یا اعمال مجازات علیه مجرم نیز از دید این متفکران پیشگیری به شمار می‌آید. در سوی مقابل، اندیشمندان سطح خرد بر این باورند که پیشگیری به مجموعه وسایل و ابزارهایی اطلاق می‌شود که جامعه برای مهار بهتر بزهکاری از طریق حذف یا محدود کردن عوامل جرم زا و یا از طریق اعمال مدیریت مناسب نسبت به عوامل محیط فیزیکی و محیط اجتماعی موجد فرصت‌های جرم، مورد استفاده قرار می‌دهد. از این رو، در این رویکرد کیفر یک جرم (مانند سرقت) پیشگیری محسوب نمی‌شود. از تعریف دوم کاملاً پیداست که رویکرد سطح خرد بر عوامل اجتماعی مهمی چون بهبود کیفیت محیط اجتماعی یا کاستن از عوامل جرم آفرین تاکید دارد.

اهداف تحقیق

هدف اصلی:

بررسی تطبیقی حقوق ایران و فرانسه در خصوص پیشگیری از جرایم با تأکید بر جرایم مربوط به ارتشا

اهداف فرعی:

- ۱- تبیین و تحلیل مبانی و اصول پیشگیری از جرائم در نظام حقوقی ایران و فرانسه
- ۲- تبیین و تحلیل قوانین مرتبط با پیشگیری از جرم ارتشا در نظام حقوقی ایران و فرانسه

پیشینه تحقیق

در زمینه مدیریت پیشگیری از جرایم در ایران، کتاب‌ها و مقالات زیادی در دسترس ماست. بخش عمده ای از پژوهش‌ها مربوط به سازمان‌های دولتی و وزارت‌های مهم (به ویژه وزارت کشور) و قوه قضائیه است که البته بخش قابل توجهی از کتاب‌های منتشر شده از سوی قوه قضائیه بر روی پیشگیری از جرائم تمرکز یافته است و دیگر حوزه‌های مدیریتی که در بخش قبل به

آنها اشاره شد، غایب بزرگ این تحقیقات به حساب می‌آیند. در میان تحقیقات دانشگاهی می‌توان تحقیقات انگشت شماری را یافت که پیشگیری از جرایم ایران در سطح کلان را مورد بحث قرار داده‌اند چرا که بخش عمده‌ای از تحقیقات دانشگاهی بر روی آسیب‌های سطح خرد (موضوعات منفرد مانند اعتیاد، خشونت، مصرف الکل و ...) تمرکز یافته‌اند.

ابراهیمی و منصور آبادی (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان "تحولات مدیریت پیشگیری از جرم"، فقدان قانون مشخص در خصوص مدیریت پیشگیری از جرم، پراکندگی و تعدد نهادهای متولی پیشگیری از جرم در ایران، ناهماهنگی بین نهادهای ذی ربط و نیز نبود یک سیاست علمی، هماهنگ و سنجیده در این زمینه در سه حوزه پژوهش، تدوین و اجرا را موجبات هدر رفتن امکانات و ظرفیت‌های سازمان‌ها و نیز خنثی شدن فعالیت‌های بخش‌های مختلف سیاست جنایی در خصوص پیشگیری از جرم دانسته‌اند. علاوه بر این موارد، محققان گوشزد کرده‌اند که سازماندهی ناقص و پراکنده برنامه‌های پیشگیری از جرم، در یک بستر فکری کاملاً رسمی و دولتی صورت گرفته است؛ به گونه‌ای که در هیچ یک از این نهادها جایگاهی برای مشارکت مردم و به ویژه سازمان‌های غیردولتی در نظر گرفته نشده است. از این‌رو، به منظور برون رفت از این نابسامانی و اجرایی کردن بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی، تدوین یک سیاست جامع و هماهنگ در این زمینه و نیز تمرکز مدیریت پیشگیری از جرم را ضروری دانسته‌اند و در مقاله‌شان بر روی ناکارآمدی فعالیت‌های صورت پذیرفته در زمینه پیشگیری از جرم، حاصل نبود مدیریت واحد و متمرکز، تاکید کرده‌اند. در عرصه تحقیقات کلان می‌توان از تحقیق یوسفی و اکبری (۱۳۹۰) با عنوان "تاملی جامعه‌شناختی در تشخیص و تعیین اولویت مسائل اجتماعی ایران" نام برد. محققان با بیان اینکه هر جامعه‌ای متناسب با شرایط اجتماعی و فرهنگی خود همواره با مسائل خاصی روبه‌روست و تشخیص و تعیین اهمیت و اولویت این مسائل نیز با توجه به اوضاع زمانی و مکانی هر جامعه‌ای می‌تواند متفاوت باشد؛ استدلال نموده‌اند که تشخیص و تعیین اولویت مسائل اجتماعی در تمام جوامع یکسان نیست. محققان در این مقاله، در پی ارائه تحلیلی جامعه‌شناختی از ماهیت و اولویت مسائل اجتماعی در ایران بوده‌اند. برای این منظور، ابتدا ملاک‌های تشخیص و اولویت‌بندی مسائل اجتماعی از دیدگاه‌های مختلف بررسی شده و با تکیه بر رهیافت برساخت‌گرایی به بررسی اولویت مسائل اجتماعی از دیدگاه عامه مردم و نخبگان حاکم بر کشور پرداخته است. مطالعه با روش تحلیل ثانویه چهار پیمایش ملی را طی یک بازه زمانی ده ساله با نمونه‌ای مشتمل بر ۳۶۴۲۹ نفر مورد بررسی قرار داده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که مسائل اقتصادی دارای بالاترین اهمیت و اولویت در میان جامعه ایرانی است و پس از آن مسائل حوزه اجتماعی قرار دارد. بررسی ادراک مردم ایران از اهمیت و اولویت مسائل اجتماعی نشان می‌دهد که میان گروه‌های اجتماعی مختلف، به ویژه عامه مردم و نخبگان حاکم کشور، تفاوت چندانی وجود ندارد. همچنین اولویت‌بندی مسائل اجتماعی از سوی مردم با توجه به حوزه‌های اجتماعی مختلف از الگوی خاصی پیروی می‌کند. درنهایت نیز محققان، یک الگوی تعامدی از شرایط عینی و ذهنی برای تشخیص اهمیت و اولویت مسائل اجتماعی در ایران پیشنهاد کرده‌اند. بر خلاف تحقیقات داخلی، در زمینه تحقیقات خارجی دایره وسیعی از پژوهش‌ها به صورت کتاب، مقاله و پایان‌نامه منتشر شده است. با توجه به حجم مقاله، در این بخش به دو عنوان کتاب ارزشمند در این زمینه اشاره می‌شود:

ادوارد (۲۰۰۱) در کتاب خویش با عنوان "سیاست‌های اجتماعی، سیاست‌های عمومی" کوشیده است تا فرآیندهای سیاست‌گذاری در دولت‌ها را مورد بررسی و نقد قرار دهد و نسبت میان این سیاست‌ها با اجتماع را از منظر علوم اجتماعی، سیاسی و مدیریت به بحث بگذارد. از منظر ادوارد، اگر چه وزرا در دولت‌ها مسولان اصلی سیاست‌ها هستند اما کارمندان و مسئولان جزء هستند که اطلاعات و داده‌ها را به سطوح بالاتر منتقل می‌سازند و از این رو نقش این افراد در سیاست‌گذاری‌های کلان بسیار مهم و حیاتی است. ادواردز منتقد نگاه تقلیل‌گرایانه برای تحلیل سیاست‌گذاری‌های عرصه اجتماع است و معتقد است که

سیاست‌گذاری اجتماعی می‌تواند از دل جریان‌های اجتماعی بیرون بیاید. سیاست‌گذاری اجتماعی صحیح از منظر ادواردز برای مردم و در نسبت با مردم تعریف می‌شود از این رو دولت‌ها نمی‌توانند در نگاهی یک جانبه نگرانه از سوی خود برای مردم تصمیم سازی کنند چرا که این نوع تصمیم سازی‌ها می‌تواند شکست را برای دولت‌ها در پی داشته باشد.

مفهوم پیشگیری

در دیدگاه کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی، پیشگیری اجتماعی - فرهنگی عبارت است از «تدابیر و روش‌های آموزشی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی دولت، نهادها و سازمان‌های غیر دولتی و مردمی در زمینه سالم‌سازی محیط اجتماعی و محیط فیزیکی برای حذف یا کاهش عوامل اجتماعی جرم» (معاونت پیشگیری از جرم قوه قضائیه، ۱۳۹۱: ۱۰۸). «مرکز بین‌المللی پیشگیری از جرم» این مفهوم را چنین تعریف می‌کند: «هر چیزی که بزهکاری، خشونت و ناامنی را از طریق هدف‌گیری موفقیت‌آمیز علل شناخته‌شده جرم با روشی علمی کاهش دهد» (Palmary, ۲۰۰۱). در مجموع، پیشگیری اجتماعی از جرم مجموعه تدابیر و اقداماتی هستند که برای حذف یا کاهش علل و موجبات اولیه اجتماعی انجام می‌شوند.

راهبردهای اجتماعی - فرهنگی در پیشگیری از جرم بر تقویت روابط اجتماعی و افزایش کنترل‌های غیر رسمی اجتماعی در باز دارندگی بزهکاران بالقوه و بالفعل از ارتکاب جرم استوار هستند. کانون تمرکز در این رویکرد تدابیری است که هدفشان کسانی هستند که در معرض خطر بزهکاری قرار دارند و احساس یکپارچگی کمتری با جامعه دارند (Social crime prevention fact sheet, ۲۰۰۰). این دسته از مجرمان بالقوه یا بالفعل طیف زیادی از افراد مانند فرزندان خانواده‌های طلاق، فقیران، افراد برخوردار از مشکلات روحی - روانی و منزوی را شامل می‌شود. از دید وزارت دادگستری مجارستان، راهبرد مدرن پیشگیری اجتماعی از جرم در حقیقت یک جنبش حرفه‌ای و مدنی است و شامل تدابیری است که برای مهار علل جرم، کاهش خطر بزه دیدگی، افزایش امنیت کلی اجتماع، بهبود کیفیت زندگی، تأمین حقوق بشر و افزایش سطح فرهنگ و آگاهی جامعه اتخاذ می‌شوند. از این رو، راهبردهای آن به توسعه اقتصادی، امنیت و کاهش خسارات اخلاقی و مادی ناشی از جرم کمک می‌کنند (Ministry of Justice of Hungary, ۲۰۰۳: ۳). این تعاریف مفهومی نشان از نوعی اجماع و اشتراک دیدگاه در ارتباط با ضرورت اتخاذ رویکردی اجتماعی، فرهنگی و ارتباطی در پیشگیری از جرم دارند و حاکی از آن هستند که رویکردهای رسمی و تنبیهی بدون استفاده از ظرفیت‌های جامعه و راهبردهای اجتماعی کفایت نمی‌کنند.

تونری و فارینگتون راهبردهای پیشگیری از جرم را در ذیل چند عنوان پیشگیری انتظامی، توسعه‌ای، جامعه‌ای، کیفی و وضعی تقسیم می‌کنند. آنها در پیشگیری بر سه روش تأکید می‌کنند: استفاده از سیستم عدالت کیفری (پیشگیری کیفری)، کاهش انگیزه ارتکاب جرم (پیشگیری اجتماعی) و کاهش فرصت‌ها برای وقوع جرم (پیشگیری وضعی) (سلطانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۲).

از میانه دهه ۱۹۸۰ به این سو، با گسترش جرایم و بحران‌های اجتماعی و سیاسی، نظریه حکمرانی خوب با تمرکز بر رویکردهای تعاملی با جامعه و با ویژگی‌ها یا مؤلفه‌های ذیل مطرح و برجسته شد (سردارنیا، ۱۳۹۰: ۱۳۴). مهم‌ترین مؤلفه‌های این نوع از حکمرانی از دید سازمان ملل عبارتند از: ۱- مشارکت؛ ۲- قانونمندی؛ ۳- شفافیت؛ ۴- مسئولیت‌پذیری؛ ۵- اجماع‌محوری؛ ۶- عدالت‌محوری؛ ۷- کارآمدی و اثربخشی؛ ۸- پاسخگویی (Vansant, ۲۰۰۱: ۸-۶). در مجموع، حکمرانی خوب را می‌توان به مثابه مشی حکمرانی و مدیریت دو سویه مشارکتی و در انطباق با محیط متحول داخلی و بین‌المللی با کاربست شاخص‌هایی محوری و ارزشی تعریف کرد: قانونمندی، کارآمدی، خدمات‌رسانی به هنگام یا روزآمد، پاسخگویی،

مسئولیت‌پذیری، شفافیت‌پذیری، فسادناپذیری و نظارت‌پذیری حکومت و جامعه و کنشگران آن، اهتمام جدی و مستمر دولت و نهادهای حکومتی به ویژه قوه قضائیه به عدالت‌گستری، امنیت‌گستری، تبعیض‌زدایی، توزیع عادلانه کالاها و خدمات، نهادینه کردن آزادی‌ها و حقوق اساسی و مشروع مردم و افزایش ظرفیت‌های مشارکتی حکومت و نهادهای حکومتی (Miners, ۲۰۰۰: ۲ - سردارنیا و شاکری، ۱۳۹۳: ۱۷۲). در بین ویژگی‌های حکمرانی خوب، قانون‌گرایی نسبت به سایر ویژگی‌ها برجسته به نظر می‌رسد. تحقق این امر نیازمند چارچوب عادلانه‌ای از قوانین است که دربرگیرنده حمایت کامل از حقوق افراد و گروه‌های جامعه به دور از تبعیض است و باید به صورت شایسته‌ای اجراء شود (قلی‌پور، ۱۳۹۱: ۲۴). «پاسخگویی» حکومت و نهادهای مدنی به استوار شدن پایه‌های حکمرانی خوب در یک جامعه منجر می‌شود. البته پاسخگویی بدون وجود شفافیت و حاکمیت قانون محقق‌شدنی نیست (فتحعلی، ۱۳۹۱: ۲۷-۲۳). «مسئولیت‌پذیری» متقابل مردم، نهادهای مدنی و صنفی و حکومت نیز از مؤلفه‌های مهم دیگر حکمرانی خوب است، اما این ویژگی بدون وجود شفافیت و حاکمیت قانون نمی‌تواند جنبه اجرایی چندانی در جامعه داشته باشد (شریف‌زاده، ۱۳۸۲: ۱۰۹).

اگرچه بخش عمده‌ای از ویژگی‌های این نظریه به راهبردهای رسمی و حکومتی در پیشگیری از جرم اشاره دارد، مؤلفه مهم دیگر آن مبنی بر رویکرد تعاملی بین حکومت و جامعه و نهادهای مدنی و رسانه‌ها می‌تواند در ذیل راهبردهای اجتماعی و ارتباطی و همسو با مدل سیستمی استفاده شود.

مبانی نظری تبیین جرم

سیگل (۲۰۱۱) در یک تقسیم‌بندی کلی، نظریه‌های انحراف را به پنج دسته‌ی عمده تقسیم کرده است: نظریه‌های متمرکز بر فرد شامل نظریه‌های گزینش عقلانی و نظریه‌های خصلت‌ها، نظریه‌های ساخت اجتماعی شامل نظریه‌های بی‌سازمانی اجتماعی، فشار و انحراف فرهنگی، نظریه‌های فرایند اجتماعی شامل نظریه‌های یادگیری، کنترل و برجسب، نظریه‌های ستیز و نظریه‌های ترکیبی. همچنین، در تقسیم‌بندی دیگر، نگاهی به پیشینه نظری موجود درباره رویکردها و روش‌های تحلیل و بررسی مسایل اجتماعی حاکی از آن است که دو پارادایم در پرداخت به این موضوعات وجود دارد (بست، ۲۰۰۴): ۱- پارادایم عینیت‌گرا، ۲- پارادایم ذهنیت‌گرا. برای عینیت‌گرایان اندازه‌گیری، عینیت، تکرار‌پذیری، تعیین‌گستره، شیوع و بروز مسایل اجتماعی و رفتارهای بزهکارانه از اهمیت خاصی برخوردار بوده و تمایلی جدی به پرسیدن سوالاتی از جنس چرایی در آن‌ها مشاهده می‌شود. بر خلاف عینیت‌گرایان، در رویکرد ذهنی‌نگر، آسیب‌های اجتماعی به عنوان شرایطی مضر، ملال‌آور و مسئله‌دار بلکه به عنوان موضوعات یا محل‌هایی برای نگرانی قلمداد می‌شوند. نوع یا برداشتی خاص از رویکرد ذهنی‌نگر با عنوان برساخت‌گرایی اجتماعی در تحلیل مسایل اجتماعی (نگاه تعریفی نسبت به مسایل اجتماعی) برای اولین بار توسط اسپکتور و کیتسوز در کتابی با عنوان "برساخت مسایل اجتماعی" (۱۹۷۷) طرح شده است. بسیاری بر این باور هستند که رویکرد برساخت‌گرایی، از دیدگاه‌های نظریه‌انگ زنی‌هاوارد بکر برخاسته است. به طور خلاصه در این رویکرد در پی فهم فرآیند توسعه پدیده‌های اجتماعی در متن جامعه هستند و به طور مستمر فرآیند خلق پدیده‌ها و مسایل اجتماعی، مشروعیت‌سازی و نهادینه‌سازی آنها در جوامع بشری و نمایان شدن آن‌ها به مثابه قوانین، هنجارها و جرایم را مورد توجه قرار می‌دهند (اسپکتور و کیتسوز، ۲۰۰۸: ۳۴). چنان‌که لوسک (۲۰۰۳) تا جایی پیش می‌رود که فرآیند ساخت مسایل اجتماعی را "بازی مسایل اجتماعی" می‌نامد. از نظر وی، این فرآیند تنها شامل شرایط نمی‌شود بلکه مردم و راه‌حل‌های مربوط به مسایل را نیز در بر می‌گیرد. لاسکی بر این باور است که در برساخت اجتماعی تنها به اقتناع مخاطب نسبت به

موضوع مساله اجتماعی اکتفا نمی شود بلکه راه حل ها و روش-های مدیریت و پیشگیری از جرم نیز خود ناشی از برساخت می باشند(لوسک،۲۰۰۳). به بیان دیگر، اینکه برای حل مساله اجتماعی چه باید کرد و چه زمانی و با چه دستورالعملی آن را مدیریت کرد، خود برساخته ای اجتماعی به حساب می آید. به طور کلی در رویکرد برساخت گرایی، بر روی برخی اصول تاکید می شود که به طور خلاصه عبارتند از:

- جرایم در دنیای واقعی بسیار زیاد و حتی نامحدود هستند بنابراین تنها تعداد محدودی از آنها توجه عمومی را به خود جلب می کنند و یا در سطوح مختلف محلی، ملی و جهانی به مثابه موضوعاتی مهم و حیاتی مطرح می شوند.

- مسایل اجتماعی را نمی توان شرایطی از پیش تعریف شده تلقی کرد بلکه این مسایل محصول تعاریف اجتماعی مشارکتی یا دسته جمعی اند و نمی توان آنها را صرفاً به عنوان واقعیت های اجتماعی تعریف کرد.

- مسایل اجتماعی باید با توجه به حس ذهنی مردم در مورد مسایل، تعریف کرد. از این رو، مسئله اجتماعی واقعیتی از پیش تعیین شده و مستقل دارا نیست. بلکه به واسطه ذهنیت مردم معنا می یابد.

- مسایل اجتماعی دارای چرخه حیات یا تاریخ طبیعی خود هستند که ممکن است با شیوع آسیب های اجتماعی همراه باشند یا نباشند.

- ویژگی های عینی یک پدیده آن را به مسئله اجتماعی بدل نمی کند بلکه واکنش های ذهنی به آن شرایط است که آن را به مسئله یا جرم بدل می کند.

- مطالعه علمی جرایم و مسایل اجتماعی نیاستی صرفاً بر توصیف متمرکز باشد بلکه باید فرآیندهایی را که از خلال آن عموم مردم، موضوع یا حالت خاصی را به عنوان مسئله اجتماعی به رسمیت می شناسند نیز شناسایی نماید.

- فرآیند واکنش به شرایط یا حالات آسیب زا و تعریف مسایل اجتماعی از شرایط واقعی مسایل اجتماعی مهم تر است.

- آن هایی که در راس قدرت هستند، قواعد و مقررات بازی را تعیین می کنند، این یعنی تعیین اینکه چه کسی حق صحبت کردن دارد، با چه اقتدار یا مرجعیتی و بر اساس چه معیار یا قابلیت کارشناسی یا تخصص. آن ها در واقع اصول و قواعدی را تعیین می کنند که برای این یا آن مسئله نظریه یا هر موضوعی که پیش می آید بایستی دنبال شوند. آن ها همچنین قواعد مربوط به این امر که کدامیک از این موارد بایستی نامگذاری و طرح شوند، تحلیل شوند و در نهایت به یک خط مشی (سیاست) و یا طرح بدل شوند را نیز تعیین می کنند (اسکوبار، ۱۹۹۵: ۴۱). در مجموع، می توان اظهار داشت که:

- دیدگاه برساخت گرایی اجتماعی در تحلیل و تبیین جرایم سبک کارآیی و برآزش به مراتب بهتری نسبت به جرایم سنگین دارد.

- همه تلاش ها و فعالیت های عوامل و کارگزارانی مانند حکومت ها و رسانه ها در اقامه دعوی و اسطوره سازی مسایل اجتماعی، لزوماً همراه با موفقیت نیست، برای اینکه اراده آنها برای برساخت اجتماعی اسطوره ها و دعاوی جرم و بزهکاری و مساله اجتماعی بسنده نیست.

- برساخت مسایل اجتماعی بدون هزینه است و برای افراد، سازمان و گروه های درگیر در بازی-های برساخت اجتماعی و به طور کلی برای جامعه کلان دارای هزینه فرصت است.

- برساخت اجتماعی اسطوره های مسایل اجتماعی و توسعه این اسطوره ها و تبدیل آنها به دغدغه-های اجتماعی و لازم اقدام در گرو ارتقای استراتژی های ترغیب، شبکه سازی اجتماعی، بازاریابی اجتماعی و بسته بندی بهینه دعاوی و اسطوره های مسایل اجتماعی است.

آنچه که باید مورد توجه قرار بگیرد این است که منحرف یا کجرو در یک جامعه محصول یک فرآیند سیاسی تصمیم گیری است. رفتارها یا فعالیت هایی که در یک جامعه مفروض کجرو یا منحرفانه تلقی می شوند، ماهیت بدیهی ندارند؛ بلکه توسط گروهی از توانایی لازم برای مشروعیت بخشیدن و قبولاندن (و جا انداختن) تعاریف خود در جامعه را دارند، تعریف (و برساخته) می-شوند (کنراد و اشنايدر، ۱۹۹۲: ۲۲).

با نگاهی کوتاه به نظریه‌های مربوط به جرایم، می توان آن‌ها را بر حسب معیارهای گوناگونی تقسیم‌بندی کرد. در مجموع می توان گفت پاره‌ای از نظریه‌ها، این پدیده را حاصل آگاهی، شناخت یا در مجموع ویژگی‌های فردی می دانند و دسته‌ای دیگر، بر واقعیت‌های اجتماعی، که بدون توجه به قصد و نیت فرد بر رفتار او تأثیر می گذارند، تأکید می کنند. در این نظریه‌ها، راه حل پیشگیری از جرایم نیز متفاوت است. در بعضی از آن‌ها، جامعه نظامی تنظیم کننده در نظر گرفته می شود که از طریق نیروهای اجتماعی مانند سازمان‌ها، قادرند در فرد تعادل و نظم به وجود آورند. بنابراین، برای جلوگیری از آسیب های اجتماعی، جامعه باید در رفتارهای نهادی شده، دگرگونی ایجاد کند. اما برخی دیگر از صاحب نظران، بر اساس تحلیل های تاریخی و ساختار اقتداری جوامع، راه حل را در دگرگونی ریشه‌ای روابط اجتماعی می دانند. باید توجه داشت که در بسیاری از موارد جنبه هایی از نظریه های متفاوت با هم تداخل دارند و در مواردی، شبیه هم هستند، از هم الهام می گیرند یا به طور مشخص، در مقابل یکدیگر قرار دارند. در هر صورت، به دلیل مشکلات ناشی از جرایم، این نظریه ها هنوز در اول راه هستند و با توجه به مشکلات و موانعی که در سر راه پژوهش وجود دارد، امکان ابطال یا اثبات این نظریه‌ها بسیار مشکل است. اما، با در نظر گرفتن تأثیرات جرایم بر روی جامعه و محیط زندگی فردی، دیگر امکان نفی و منکر شدن آن وجود ندارد. بنابراین، باید از طریق دقت و توجه بیشتر به آن و انجام دادن پژوهش‌های متعدد و آشکار کردن جنبه‌های پنهان جرایم، راه را برای رسیدن به نظریه‌های معتبر در زمینه جرایم، هموار کرد.

معنی لغوی و اصطلاحی رشوه

از نظر لغوی، رشوه اسم مصدر و اصطلاحاً ناقص واوی به معنای کود و خاشاک یا طناب است و به سه شکل رشوه، رشوه، رشوه، به کار رفته است. رشوا از مصدر «یرشی» به معنای رشوه دادن و «ارتشا» مصدر ثلاثی مزید از باب افتعال به معنای رشوه گرفتن یا قبول رشوه کردن است. اسم فاعل آن در باب ثلاثی مجرد، «راشی» و در باب افتعال، «مرتشی» است (المنجد فی اللغة و الاعلام، ۱۹۸۶)

تغییر وزن کلمه مزبور موجب تغییر معنای آن می شود؛ یعنی اگر کلمات هموزن رشوه را به کسر بخوانیم به معنای هیأت وضع در معنای مربوط است، مانند جلوه و رشوه که هیأت را می رساند؛ اگر به فتح بخوانیم به معنای دفعه در آن معنا است؛ مانند جلسه که به معنای یک مجلس است، و اگر به ضم بخوانیم مصدر و اسم است (شفایی، «رشوه و اقسام آن»، س ۹، ش ۵۴-۵۳، ص ۵۱ و ۵۳) وجه تسمیه رشوه به کود این است کشاورز با دادن کود به زمین آن را برای زراعت و باروری آماده می کند و در مقام مقایسه، راشی مانند کشاورز با دادن «مال الرشا» نظر مرتشی را به حود جلب می کند تا خواسته او را انجام دهد. وجه تسمیه رشوه به طناب آن است که ریسمان را برای بیرون آوردن آب از چاه به دلو می بندند و در اینجا نیز راشی برای رسیدن به مقصود خود از طریق مرتشی طناب (رشا) را به او می بندد و او را در اختیار خود در می آورد (جابری عربلو، ۱۳۶۳، ۱۰۵)

در تعریف رشوه گفته اند: «الرشوة ما يعطيه الشخص للحاكم و غيره ليحكم له أو يحمله على ما يريد و الرشوة قلما تستعمل إلا فيما يتوصل به إلى إبطال حق أو تمشية باطل» (طریحی، بی تا: ذیل رشوه)؛ یعنی رشوه چیزی است که شخص آن را به حاکم

یا غیر او می‌دهد تا به نفع او حکم کند یا او را بر آنچه می‌خواهد وادار سازد. رشوه به کار برده نمی‌شود مگر در آنجا که به وسیله آن به ابطال حق یا رسیدن به باطل دسترسی حاصل شود. به تعبیر مذکور در مصباح المنیر «هی ما یعطیه الشخص للحاکم أو غیره لیحکم له او یحمله علی ما یرید» (ذو‌المجدین، ۱۳۶۶، ۳۷)؛ یعنی رشوه چیزی است که شخص به حاکم یا غیر آن می‌دهد تا به نفع او حکم کند یا به واسطه آن گیرنده رشوه را بر آنچه اراده می‌کند وادارد. ابن‌اثیر می‌گوید: «إنها الوصلة إلى الحاجة بالمصانعة» (سنگلجی، ۱۳۳۸، ۹۵)؛ یعنی رشوه چیزی است برای رسیدن به مقصد از راه زد و بند.

همان‌طور که معانی متعددی که برای رشوه گفته‌اند بر می‌آید رشوه دارای معنای عام بوده، شامل همه ابواب، از جمله باب قضا می‌شود و نمی‌توان به لحاظ معنای لغوی آن را به باب خاصی محدود کرد. لذا خواه رشوه را فعل راشی بدانیم یا موضوع آن به حساب آوریم، در همه ابواب جاری است و همان‌طور که در المنجد آمده است «ما يعطى لإبطال حق أو إحقاق باطل» (المنجد فی اللغة و الاعلام، ۱۹۸۶) رشوه چیزی است که برای از بین بردن حق یا اثبات باطل داده می‌شود که اختصاص به باب قضا ندارد چه بسا در عرف موجود غلبه آن در باب غیر قضا باشد. بر این اساس به رغم آنکه در غالب کتاب‌های فقهی از جمله لمعتین (جبعی عاملی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۷۴ و ۷۵)، سرائر (سنگلجی، ۱۳۳۸، ۹۵)، عروة الوثقی (طباطبایی یزدی، ۱۳۷۷، ج ۲ و ۳، صص ۲۲-۲۴) تحریر الوسیله (خمینی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۰۶) و تکملة المنهاج (خویی، بی‌تا، ج ۱، ص ۶)، رشوه در باب قضا به کار رفته، به نظر ما چنی‌ین حصری با معنای لغوی رشوه سازگار نیست و با توجه به معنای عام آن در لغت، رشوه عبارت است از: «توافق اراده دو شخص درباره اینکه یکی از آنها چیزی را به دیگری بدهد تا نفعی به وی برساند و دیگری در برابر آن کاری انجام دهد یا کاری را ترک کند که در حیطة وظایف و مأموریت او است» بنابراین موقعیت شغلی و اجتماعی مرتشی در وقوع جرم اثری ندارد.

از نظر حقوقی معادل رشوه در زبان انگلیسی «bribery» و در زبان فرانسه «corruption» است و در فرهنگهای لغت انگلیسی و قانون جزای فرانسه (۱۹۹۲) و قبل از آن نیز طرف رشوه اعم از قضات، مأموران به خدمات عمومی و ادارات ملی و محلی است که در حقوق ایران و مصر (عبد‌الملک، بی‌تا، ج ۴، ص ۳ و ۶ و ۷؛ امین‌بک، ۱۹۲۴، ۱) نیز همین روش اتخاذ شده است. علاوه بر بحث بالا در این پژوهش به موضوع وحدت یا استقلال دو عنوان رشا و ارتشا و نیز تعیین تکلیف «مال الرشا» بر اساس اصل ۴۹ ق.ا. خواهیم پرداخت.

رشا و ارتشا در قوانین ایران

با شیوع جرایمی مثل کلاهبرداری، اختلاس و ارتشا در دوره پس از جنگ، قانونگذار به فکر تشدید مجازات این جرایم افتاد و باتوجه به عدم تایید شورای نگهبان قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری در تاریخ ۵۱/۹/۷۶۳۱ به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید، که ماده ۳ آن راجع به جرم ارتشا می‌باشد.

به علاوه با تصویب قانون تعزیرات در سال ۵۷۳۱ در مجلس شورای اسلامی، مواد ۸۸۵ تا ۴۹۵ آن به جرایم رشا و ارتشا اختصاص داده شد. باتوجه به اشاره ماده ۲۹۵ قانون اخیرالذکر به ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری و نیز این که قانون تشدید... مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌باشد، تردیدی باقی نمی‌ماند که مواد قانون تعزیرات نسخ ماده ۳ قانون تشدید... نمی‌باشد و هدف از تصویب آنها اولاً تعیین مجازات برای راشی (که در قانون تشدید... مجازاتی جز ضبط اموال داده شده به‌عنوان رشوه برایش تعیین نشده بود) و ثانیاً تسری مجازات ارتشا به برخی از

اشخاص غیر مذکور در قانون تشدید... و ثالثاً پیش‌بینی پاره‌ای از مقررات متفرقه (مثلاً راجع به شروع به ارتشا و نظایر آن) بوده است.

عمل فیزیکی لازم برای تحقق عنصر مادی جرایم رشا و ارتشا عبارت است از دادن یا قبول کردن وجه یا مال یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مال (که اولی عمل فیزیکی در جرم رشا و دومی عمل فیزیکی در جرم ارتشا می‌باشد) و نیز انجام معامله صوری با مبلغ غیر واقعی. بر این اساس کارمندی که در مقابل انجام یا عدم انجام کاری برای ارباب رجوع مالی را از وی قبول می‌کند یا ملک او را به بهایی بسیار کمتر از قیمت واقعی آن می‌خرد مرتشی و طرف مقابل راشی محسوب می‌شود. رشا و ارتشا از زمره جرایم مطلق می‌باشند و تحقق آنها منوط به تحقق نتیجه خاصی نیست، بنابراین همان طور که ماده ۳ قانون تشدید... تصریح کرده، تحقق جرم ارتباطی با این که مستخدم آن کار را انجام داده یا نداده ندارد.

مصادیق رشوه

۱- رشا و ارتشا در نظام حقوقی ایران

رشوه مبتنی بر توافق اراده و فرد است که یکی از آنها چیزی را به دیگری می‌پردازد یا تعهد به انجام دادن کاری برای او می‌کند تا او را به انجام دادن یا ترک یکی از وظایفش وادارد و دیگری (کارگزار) با پذیرش آن چیز یا تعهد با شغل خود به سوداگری می‌پردازد اقدام هر دو مشمول عنوان رشوه می‌شود؛ لکن نسبت به آن کس که رشوه می‌دهد جنبه ایجابی دارد و به همین لحاظ در زبان عربی عمل او را «رشا» می‌گویند و مرتشی هم اسم فاعل از رشا و ارتشا است. از نظر حرمت عمل همان طور که گفتیم، حرمت عمل او را «ارتشا» می‌گویند. راشی و مرتشی هم اسم فاعل از رشا و ارتشا است. از نظر حرمت عمل همان طور که گفتیم، حرمت ارتشا اجماعی است (خمینی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۰۶؛ محقق حلی، بی‌تا، مجلد ۳ و ۴، ص ۸۶۹)

و حرمت رشا در غیر موارد اضطراری قطعی است و در موردی که کسی از باب اضطرار رشوه پرداخت کند، اختلاف نظر است. مقنن جمهوری اسلامی در ماده ۵۹۱ ق.م.ا.د. این باره چنین اعلام نظر کرده است: «هر گاه ثابت شود که راشی برای حفظ حقوق حقه خود ناچار از دادن وجه یا مالی بوده تعقیب کیفری ندارد و وجه یا مالی که داده به او مسترد می‌گردد». این نظر منطبق بر نظر امام خمینی (ره) است (خمینی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۰۶) سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا رشا و ارتشا یک جرم واحد و مشمول عنوان رشوه هستند یا دو جرم متفاوت و متعددند؟ اگر جرم واحدی باشند اقتضا دارد که به این نظر قائل شویم که در این جرم دو فاعل تبرئه کننده موضوعی (عوامل موجهه جرم) که پدید آید وصف مجرمانه را از عمل هر دو می‌زداید. بر این اساس راشی و مرتشی دو طرف یک جرم هستند که اقدام آنها از دو عنصر پرداخت و دریافت (پذیرش) تشکیل شده که تحقق رشوه منوط به تحقق دو عنصر مذکور است.

به عبارت دیگر، رشوه تام الاجزاء مبتنی بر توافق اراده دو شخص است، یکی صاحب کار که هدیه یا جایزه‌ای را به کارمند می‌پردازد تا او را به انجام یکی از وظایفش یا ترک یکی از آنها وادار کند و دیگری کارگزار که هدیه یا جایزه را می‌پذیرد و با شغل خود تجارت می‌کند. هدیه دادن از طرف راشی، و پذیرفتن از جانب رشوه‌خوار، ارتشا است. بر این اساس رشوه جرم واحدی است که مستلزم وجود دو شخص است و لذا مجازات آنها هم باید مساوی باشد. لازمه این نظر آن است که بگوییم رشوه یک ماهیت بسیط دارد و راشی و مرتشی فاعل اصلی جرم واحدی است که مستلزم وجود دو شخص است و لذا مجازات آنها هم باید مساوی باشد. لازمه این نظر آن است که بگوییم رشوه یک ماهیت بسیط دارد و راشی و مرتشی فاعل اصلی جرم واحدی است یا کارگزاری که شغل فروشی می‌کند (مرتشی) فاعل اصلی و راشی به دلیل تشویق مرتشی و توافق با او شریک محسوب می‌شود. در

این صورت، شروع به رشوه فقط در حال عدم قبول وعده یا نگرفتن هدیه و جایزه تحقق پیدا می‌کند. ممکن است راشی را معاون جرم بدانیم که در این صورت مجازات او بر اساس قاعده معاونت در جرم تعیین می‌شود که با فاعل اصلی (مرتشی) یکسان نیست، اما در هر دو حالت مذکور، تأثیر علل تبرئه کننده موضوعی (علل موجهه جرم) در مورد هر دو یکسان است؛ یعنی در شرایطی که عمل فاعل اصلی، جرم به حساب نیاید، اقدام شریک یا معاون او هم واجد وصف مجرمانه نخواهد بود (عبد الملک، بی تا، ج ۴، صص ۳ و ۶؛ امین بک، ۱۹۲۴، ۱)

در مقابل نظر فوق نظر دیگری وجود دارد که معتقد است رشوه مشتمل بر دو جرم جدا از هم است، یکی جرم رشا و دیگری جرم ارتشا. معنای این تفکیک آن است که هر یک از این دو جرم بدون نیاز به اثبات وجود هر رابطه‌ای میان آنها و مستقل از یکدیگر، خواه از حیث اوصاف جرم و خواه از نظر مجازات، مستحق مجازات است. فعل راشی مشارکت در عمل مرتشی محسوب نمی‌شود، بلکه یک جرم مستقل است و مجازات او نیازمند به مجازات مرتشی نیست و شروع به جرم در هر یک از آنها به طور مستقل بررسی می‌شود. مجرد وعده یا پرداخت چیزی از طرف راشی، در حالتی که به دلیل عامل خارجی مورد پذیرش کارگزار واقع نمی‌شود، شروع به جرم رشا است. همچنین ممکن است نسبت به کارمند شروع به ارتشا واقع شود، ولی وعده یا پرداختی از طرف راشی وجود نداشته باشد. در نظریه اخیر، بررسی ارکان و عناصر تشکیل دهنده هر جرم و مسئولیت هر یک از مرتکبان به طور مستقل انجام می‌شود (عبد الملک، بی تا، ج ۴، صص ۳ و ۶؛ امین بک، ۱۹۲۴، ۱)

در مقررات ایران بنا بر ظاهر، متون قانونی راجع به رشا و ارتشا متفاوت است و ماده ۳ قانون تشدید مصوب ۱۳۶۷ در مورد ارتشا و ماده ۵۹۲ ق.م.ا.د. در مورد راشی است که مجازات آنها نیز تفاوت دارد. علاوه بر آن از ظاهر ماده ۵۹۱ و تبصره ۵۹۲ ق.م.ا. که پرداخت رشوه اضطراری را موجب معافیت از مجازات دانسته است، استنباط می‌شود که عناوین مذکور دارای شرایط خاص خود هستند و احکام مستقلی دارند. از نظر فقهی نیز بعضی از فقها حرمت عمل راشی را از باب اعانت بر اثم دانسته‌اند و معتقدند اگر راشی مکره باشد یا رسیدن به حق متوقف بر پرداخت رشوه باشد عمل او حرام نیست، در حالی که بر مرتشی حرام است (طباطبایی یزدی، ۱۳۷۷، ج ۲ و ۳، صص ۲۴-۲۲) بنابراین چنین استنباط می‌شود که از نظر فقهی و مقررات کیفری ایران عناوین رشا و ارتشا مستقل از یکدیگر هستند و شرط تحقق هر یک از آنها، تحقق عنوان مقابل آن نیست.

۲- رشا و ارتشا در نظام حقوقی فرانسه

از نظر قوانین مشاهده می‌شود قانونگذار فرانسه در قانون مجازات قدیم برای هر یک از جرائم مذکور احکام خاصی وضع کرده است. مجازات رشوه گیرنده در ماده ۱۷۷ و ۱۷۸ و ۱۸۱ تا ۱۸۳ و مجازات رشوه دهنده در ماده ۱۷۹ و ۱۸۰ پیش بینی شده بود که حاکی از آن است که قانونگذار فرانسه نظریه انفکاک را پذیرفته بود (عبد الملک، بی تا، ج ۴، صص ۳ و ۶؛ امین بک، ۱۹۲۴، ۱)

با اینکه قانون مذکور برای هر دو جرم یک مجازات تعیین کرده، بعضی از مفسران قانون مجازات فرانسه از جمله گارو، شوو، هیلی، بلانش و گارسون از نحوه نگارش قانون چنین برداشت کرده‌اند که قانونگذار خواسته است عمل راشی و مرتشی را دو جرم مستقل محسوب کند؛ هر چند عده دیگری این روش را مورد انتقاد قرار داده و گفته‌اند که با منطبق و اصول حقوقی همخوانی ندارد. ایشان معتقدند کسی که پیشنهاد رشوه می‌دهند و آن کس که آن را می‌گیرد دو طرف یک جرم هستند و لذا باید مجازات واحدی داشته باشند؛ زیرا کاری که هر دو در ارتکابش شریک بوده‌اند از دو عنصر پیشنهاد و پذیرش تشکیل شده

است و رشوه تام واقع نمی‌شود، مگر پیشنهاد پذیرفته شود (عبد الملک، بی‌تا، ج ۴، صص ۳ و ۶؛ امین بک، ۱۹۲۴، ۱؛ محمد جعفر، ۱۹۹۵، ۱۸)

به نظر می‌رسد ماده ۴۳۲-۱۱ قانون مجازات فرانسه مصوب ۱۹۹۲ که ذیل عنوان ارتشا آورده است: «در خواست یا قبول مستقیم یا غیر مستقیم هر گونه پیشنهاد... توسط مقامات دولتی مأمور خدمات عمومی یا نمایندگان منتخب مردم بدون اینکه چنین اختیاری داشته باشند، مستوجب حبس و جزای نقدی است»^۱ و ماده ۴۳۳-۱ که ذیل رشا آورده است: «ارائه مستقیم یا غیر مستقیم هر گونه پیشنهاد، وعده... به مقامات دولتی مأمور خدمات عمومی یا نمایندگان منتخب مردم بدون اینکه چنین حقی برای شخصی وجود داشته باشد متوجه حبس و جزای نقدی است»^۲ و ماده ۴۳۳-۲ که مقرر داشته: «درخواست یا قبول مستقیم یا غیر مستقیم هر گونه پیشنهاد، وعده و... با انگیزه سوء استفاده از نفوذ واقعی یا فرضی خود به منظور به دست آوردن امتیاز... از مأموران یا سازمانهای دولتی مستلزم حبس و جزای نقدی است»^۳ حاکی از آن است که قانونگذار جدید فرانسه مانند قانون قدیم عناوین ارتشا و رشا را مستقل دانسته است؛ زیرا همان طور که مشاهده می‌شود علاوه بر تفکیک متن قانونی برای هر یک از آنها؛ صرف ارائه یا درخواست که مبتنی بر اراده یک طرف جرم است، بدون آنکه نیاز به توافق دیگری داشته باشد را به اقتضای مورد، رشا و ارتشا دانسته و تحقق هیچیک از آنها را وابسته به تحقق دیگری ندانسته است.

احکام مربوط به مال الرشا

۱- در قانون مجازات اسلامی ایران

منظور از مال الرشا اعم از مال به معنای مدنی آن است و شامل کلیه اقدامات و تعهداتی است که رشوه دهنده تعهد به اجرای آن می‌کند یا رشوه گیرنده از آن بهره‌مند می‌شود.

به موجب تبصره ۲ ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و... مصوب ۱۳۶۷: «در تمامی موارد فوق مال ناشی از ارتشا به عنوان تعزیر رشوه دهنده به نفع دولت ضبط خواهد شد و چنانکه راشی به وسیله رشوه امتیازی تحصیل کرده باشد این امتیاز لغو خواهد شد.»

در عین حال به موجب ماده ۵۹۱ ق.م.ا: «هر گاه ثابت شود که راشی برای حفظ حقوق حقه خود ناچار از دادن وجه یا مالی بوده تعقیب کیفری ندارد و وجه یا مالی که داده به او مسترد می‌گردد.»

در ماده ۵۹۲ ق.م.ا. نیز به ضبط مال ناشی از ارتشا تأکید شده است، ولی تبصره آن تصریح دارد که اگر راشی مضطر بوده باشد مال به وی مسترد می‌گردد. همچنین به موجب تبصره ۵ ماده ۳ قانون تشدید: «در هر مورد از موارد ارتشا هر گاه راشی قبل از کشف جرم مأمورین را از وقوع بزه آگاه سازد از تعزیر مالی معاف خواهد شد و در مورد امتیاز طبق مقررات عمل می‌شود و چنانچه راشی در ضمن تعقیب با اقرار خود موجبات تسهیل تعقیب مرتشی را فراهم نماید، تا نصف مالی که به عنوان رشوه پرداخته است به وی بازگردانده می‌شود و امتیاز لغو می‌گردد.» نیز به موجب ماده ۴ قانون تشدید: «کسانی که با تشکیل یا رهبری شبکه چند نفری به امر و ارتشا و... مبادرت ورزند علاوه بر ضبط کلیه اموال منقول و غیر منقول که از طریق رشوه کسب کرده‌اند به نفع دولت.»

¹- Nouveau Code Penal, Dalloz, France, 7991

²- Nouveau Code Penal, Dalloz, France, 7991

³- Nouveau Code Penal, Dalloz, France, 7991

آن طور که ملاحظه می‌شود در مقررات کیفری در مورد مال الرشا نظر بر این است که به راشی برگردانده نمی‌شود، لکن اینکه ضبط این مال به عنوان مال حرام است تا تعزیر راشی، محل تردید است. در تبصره ۲ ماده ۳ قانون تشدید، ضبط مال الرشا به عنوان تعزیر راشی مطرح شده و در تبصره ۵ ماده ۳ همان قانون در صورت همکاری راشی در کشف جرم، او معاف از مجازات تعزیر مالی (ضبط مال الرشا به نفع دولت) معرفی شده است. در ماده ۵۹۲ ق.م.ا.ن نیز در مورد مجازات راشی آمده است: «...به عنوان مجازات علاوه بر ضبط مال ناشی از ارتشا به حبس... محکوم می‌شود.»

لذا از ظاهر مقررات کیفری ایران فهمیده می‌شود که ضبط مال الرشاد در حکم مجازات راشی است. در ماده ۱۴۶ ق.م.ع.سابق نیز آمده است: «در هیچ موقعی اشیا یا جوهری که راشی به عنوان رشوه داده است به او مسترد نخواهد شد. جوهر و اموال مزبور به منفعت خزانه ضبط می‌شود.» اما در مقررات فقهی مطابق نظر فقها، یعنی **يجب علی المرتشی إعادۀ الرشوة الی صاحبها و لو تلفت قبل وصولها الیه فمئنها** له واجب است که مرتشی مال الرشا را به راشی برگردانده و اگر قبل از وصول راشی، تلف شود مرتشی ضامن است. به نظر شهید ثانی همان طور که در ابتدا گرفتن رشوه حرام است، باقی ماندن آن در دست مرتشی نیز نامشروع است و لذا قاضی باید بعد از گرفتن آن، در صورت بقاء آن را به صاحبش رد کند و اگر تلف شده باشد اگر مثلی است مثل آن و اگر قیمی است قیمت آن را به راشی مسترد کند (جبعی عاملی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۷۴ و ۷۵) به نظر برخی از فقها حتی در بیع محاباتی هم که به قصد رشوه واقع شده این حکم (استرداد مال به راشی) جاری است (طباطبایی یزدی، ۱۳۷۷، ج ۲ و ۳، جزء ۳، ص ۲۴-۲۲) امام خمینی در این مورد می‌فرماید: **يجب علی المرتشی إعادتها الی صاحبها** (خمینی، بی تا، ج ۲، ص ۴۰۶) یعنی بر مرتشی واجب است که مال الرشا را به راشی مسترد کند. به نظر می‌رسد اصل ۴۹ قانون اساسی که مقرر می‌دارد: «دولت موظف است ثروتها ناشی از ربا، غصب، رشوه... و سایر موارد غیر مشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت المال بدهد» و قسمت اخیر ماده ۶۵ ق.ت.۱۳۶۲ که در مقام بیان مجازات مرتشی مقرر می‌داشت: «علاوه بر تأدیه آنچه گرفته است...» بر اساس دیدگاه فقها تنظیم شده است.

بر این اساس اگر قانونگذار عادی بخواهد برای راشی از باب تعزیر جزای نقدی در نظر بگیرد می‌تواند با تصریح به لزوم استرداد مال الرشا به راشی، او را معادل مال مذکور به جزای نقدی محکوم سازد، نه آنکه مال الرشا را به عنوان تعزیر مالی به نفع دولت ضبط کند. در این صورت، اجرای مجازات مذکور تابع قواعد کلی حاکم بر اجرای مجازاتها خواهد بود. در ماده ۶۵، ۶۶ و ۶۸ قانون تعزیرات سال ۱۳۶۲ نیز حکم به تأدیه مال الرشا از طرف مرتشی شده بود، هر چند در مرجع تأدیه-راشی یا دولت- ساکت بود.

۲- در قانون مجازات فرانسه

در مقررات فرانسه نیز ضبط مال الرشا پیش بینی شده است. از جمله به موجب بند ۳ ماده ۱۷-۴۳۲ قانون جزای ۱۹۹۲ فرانسه: «ضبط مبالغ یا اشیایی که به صور غیر قانونی توسط مرتکب جرم حاصل شده به استثنای اشیایی که امکان استرداد آنها وجود دارد...» به عنوان مجازات تکمیلی در نظر گرفته شده است^۴ به نظر می‌رسد با توجه به نظر فقها ضبط مال الرشا وجهی ندارد و فقط قانونگذار عادی می‌تواند راشی یا مرتشی را به عنوان تعزیر مالی به پرداخت وجهی معادل «مال الرشا» محکوم کند، ولی نمی‌تواند حکم به ضبط عین مال الرشا به نفع دولت کند.

^۴ - Nouveau Code Penal, Dalloz, France, 7991

در اینجا سؤالی پیش می‌آید و آن اینکه شخصی چکی را به عنوان رشوه تسلیم یکی از مأموران مذکور در ماده ۳ قانون تشدید می‌کند و چک مزبور پس از تنظیم صورتجلسه برای تعقیب راشی به دادگاه عمومی فرستاده می‌شود و راشی اقرار به تسلیم چک به عنوان رشوه می‌کند و به مجازات مندرج در ماده ۵۹۲ ق.م.ا.علاوه بر وجه یا مال، سند پرداخت وجه را هم از مصادیق رشوه دانسته، شکی باقی نمی‌ماند که تسلیم چک به عنوان رشوه جرم و قابل تعقیب است. اما در مورد ضبط مال که در قسمت اخیر ماده ۵۹۲ و سایر مقررات راجع به رشوه آمده، سؤالی که مطرح می‌شود این است که در این فرض حکم به ضبط خود چک می‌شود یا وجه آن؟ در صورتی که صرفاً حکم به ضبط برگه چک به عنوان سند پرداخت وجه شود نتیجه آن می‌شود که آن سند از خاصیت تجاری خود خارج می‌شود و قابل ظهر نویسی و انتقال به غیر نیست، اما اگر منظور حکم به ضبط وجه آن در بانک محال علیه باشد یک نظر این است که دادگاه می‌تواند به قائم مقامی مرتشی وجه آن را وصول و به حساب خزانه واریز کند و در صورتی که صادر کننده چک (راشی) در بانک محال علیه موجودی نداشته باشد بر اساس مقررات راجع به صدور چک او را تعقیب و مجازات کند.

نظر دیگر این است که مراجع تعقیب به محض وصول چنین پرونده‌ای باید قبل از هر نوع اقدامی از بانک محال علیه استعلام کنند که آیا چک محل دارد یا نه. در صورتی که چک تسلیم شده بلا محل باشد رشوه واقع نشده است؛ زیرا صادر کننده برگ بی ارزشی را به عنوان رشوه داده است که مالیت ندارد و شاید در واقع منظور خودداری از پرداخت رشوه بوده باشد و عمداً چک بلا محلی را تسلیم کرده است و لذا فقط وقتی به عنوان راشی قابل تعقیب است که چک مزبور محل داشته باشد (سعیدی، «تسلیم چک به عنوان رشوه»، ش ۸؛ ص ۱۱۷-۱۱۶) در حال حاضر با توجه به ماده ۱۰ قانون دیوان جزای عمال دولت مصوب ۲۰ آبانماه ۱۳۰۸ که قبلاً بیان کردیم و ماده ۵۹۲ ق.م.ا. که صراحتاً سند پرداخت وجه یا تسلیم مال را مشمول عنوان رشوه دانسته است می‌توان گفت که تسلیم چک که از نظر عرف موجود، سند مالی به حساب می‌آید و در حکم وجه است رشوه به حساب می‌آید و ضبط چک به معنای ضبط وجه آن است، نه برگ چک؛ زیرا در عرف تجاری وقتی گفته می‌شود بابت فلان کار چک دادم، مراد وجه مذکور در آن است، نه برگ چک که فی نفسه فاقد ارزش است.

نتیجه گیری

یکی از مفیدترین و کم هزینه‌ترین راه‌های کاهش نرخ جرایم، به خصوص فساد مالی و ارتشا، توسل به رویکرد پیشگیرانه در سیاست جنایی کشورها می‌باشد. پیشگیری وضعی به عنوان یکی از راهکارهای مبتنی بر حذف یا کاهش موقعیت‌های جرم‌زا و دور نگه داشتن گروه‌های خطرناک از موقعیت‌های مجرمانه در جرایم فساد مالی و ارتشا دارای اهمیت به‌سزایی است. اهمیت این موضوع از توجه در مصادیق مختلف مورد توجه در قوانین فرانسه به خوبی پیداست. قانون‌گذار ایران نیز از گذشته تا به حال، اقداماتی را در زمینه مبارزه با ارتشا به عمل آورده است ولی به نظر می‌رسد که گرایش غالب در اقدامات مذکور با رویکرد سرکوبگرانه شکل می‌گیرند و به نسبت، پیشگیری غیر کیفری و به خصوص پیشگیری وضعی مورد توجه قرار نگرفته است. در مواردی نیز که تکنیک‌ها و روش‌های پیشگیری وضعی از متون قانونی استنباط می‌شود، فقدان نهاد خاص و فنی در موضوع پیشگیری، به روند کند اثرگذاری پیشگیری وضعی دامن می‌زند، هرچند شاهد تصویب آیین‌نامه مرجع ملی و نهاد هماهنگی کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد در هیأت وزیران بوده‌ایم، ولی به نظر نمی‌رسد شیوه مطرح در این آیین‌نامه کافی به مقصود باشد بنابراین به نظر می‌رسد بتوان با تصویب یک قانون جامع و مانع در خصوص پیشگیری از جرم بر مبنای اصول فنی و تخصصی و با رعایت موازین حقوق بشری، کلیه تکنیک‌های پیشگیری وضعی را نیز در این قانون پیش‌بینی و از

متون پراکنده قانونی که بعضاً متروک به نظر می‌رسد، پرهیز نمود. وضعیتی که با تصویب لایحه پیشگیری از جرم که هم اکنون در مجمع تشخیص مصلحت نظام در حال بررسی است، می‌تواند تا حدودی بهبود یابد.

افزایش محتوای قانونی و اقدامات عملی در زمینه آگاه‌سازی افراد از سازوکارهای اداری، ایجاد نظارت و کنترل دقیق رفتار کارکنان و کارگزاران دولتی و عمومی، شفاف‌سازی محیط‌های مالی و اقتصادی و طراحی سیستم‌های الکترونیکی خاص و به روز جهت کاهش مراجعه اشخاص به ادارات و سازمان‌های مختلف و ارائه فرمول‌های دقیق و غیرقابل تفسیر به خصوص در موضوعات مالیاتی، گمرکی و صادرات و واردات، می‌توانند به عنوان تکنیک‌های مؤثر در پیشگیری وضعی از فساد مالی و ارتشا مدنظر قرار گیرند. این در حالی است که در قوانین فرانسه نیز گرایشی حداقلی به حقوق کیفری استنباط می‌شود و محور این قوانین به توسعه رویکرد پیشگیری بنا شده است. با وجود این قوانین فرانسه صرفاً پیشگیری وضعی را به عنوان بهترین و تنها گزینه برای پیشگیری از جرم ارتشا معرفی نکرده است. زیرا این گزینه چنانچه مبتنی بر مدیریت خطرمدار و امنیت محور باشد، علل اصلی ارتکاب جرم ارتشا را به فراموشی می‌سپارد.

منابع و ماخذ

الف. منابع فارسی:

۱. آخوندی، محمود. (۱۳۷۹). *آئین دادرسی کیفری*. جلد چهارم، تهران، نشر اشراق.
۲. ابراهیمی، شهرام (۱۳۹۰)، *جرم‌شناسی پیشگیری*، چاپ اول، جلد اول، تهران: نشر میزان.
۳. ابراهیمی، شهرام. (۱۳۹۴). «کنگره‌های پنج‌سالانه پیشگیری از جرم و عدالت کیفری سازمان ملل با تأکید بر رهیافت‌های کنگره سیزدهم». فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال دهم، شماره ۳۶.
۴. بابایی، جابر. (۱۳۷۸). «تعامل پلیس و سازمان‌های مردم‌نهاد در پیشگیری از جرم: موانع و چالشها». در: مجموعه مقالات همایش ملی پیشگیری از جرم، به کوشش دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا.
۵. باباییان، علی و همکاران. (۱۳۹۱). «نقش آموزش همگانی در پیشگیری از جرم». فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال هفتم، شماره ۲۴.
۶. توسلی‌زاده، توران (۱۳۹۲)، *پیشگیری از جرایم اقتصادی*، چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل جاودانه.
۷. جابری عربلو، محسن، فرهنگ اصطلاحات فقه اسلامی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۳.
۸. جمشیدی، علیرضا. (۱۳۸۷). *رویکرد مشارکتی در سیاست جنایی ایران*. رساله دکتری دانشگاه شهید بهشتی.
۹. حبیب‌زاده، محمدجعفر. (۱۳۸۸). «چالش‌های قوه قضائیه در پیشگیری از وقوع جرم». در: مجموعه مقالات همایش ملی پیشگیری از وقوع جرم، (دادگستری استان خراسان رضوی)، تهران، انتشارات میزان.
۱۰. حبیب‌زاده، محمد جعفر و سید مصطفی محقق داماد، «اصل قانونی بودن جرم و مجازات در حقوق ایران»، دانشور، س ۳، ش ۹ و ۱۰، ص ۳۳.

۱۱. حسینی، سیدحسین (۱۳۸۳)، «نگرشی تطبیقی بر نحوه انعکاس جرم رشوه در سیستم‌های حقوقی فرانسه، ایتالیا، سوئیس و چین»، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۶، صص ۱۴۶-۱۲۹.
۱۲. _____ (۱۳۹۰)، «درآمدی بر مدیریت پیشگیری از جرایم اقتصادی، مجموعه مقالات همایش ملی علمی - کاربردی پیشگیری از وقوع جرم قوه قضاییه، جلد دوم، تهران: نشر میزان».
۱۳. حسینی، سیدمحمد و بهره‌مند، حمید (۱۳۹۱)، «ارتشای مقام‌های عمومی و دادن رشوه به آنها در آیین قوانین داخلی و کنوانسیون مریدا»، فصلنامه حقوق مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۲، شماره ۲، صص ۱۴۶-۱۲۷.
۱۴. خانعلی‌پور واجارگاه، سکینه (۱۳۹۰)، «پیشگیری فنی از جرم، چاپ اول، تهران: نشر میزان».
۱۵. دادخدایی، لیلا (۱۳۹۰)، «فساد مالی - اداری و سیاست جنایی مقابله با آن، چاپ اول، تهران: نشر میزان».
۱۶. ذوالمجدین، زین العابدین، فقه و تجارت، دانشگاه تهران، ۱۳۶۶.
۱۷. رضائیان، علی. (۱۳۹۰). «مبانی سازمان و مدیریت». تهران: انتشارات سمت .
۱۸. سعیدی، رحمت ا...، «تسلیم چک به عنوان رشوه»، مجله کانون وکلا، س ۱۴، ش ۸، صص ۱۱۶-۱۱۷.
۱۹. سردارنیا، خلیل‌اله و شاکری، حمید. (۱۳۹۳). «اینترنت و ظرفیت‌های آن برای حکمرانی خوب شهری، بررسی نظری و مصداقی». فصلنامه راهبرد توسعه، پاییز، شماره ۴۰.
۲۰. سلطانی بهرام، سعید و همکاران. (۱۳۹۴). «مطالعه نقش پیشگیری انتظامی از جرم بر احساس امنیت شهروندان تبریزی». فصلنامه مطالعات جامعه‌شناسی، شماره ۲۹.
۲۱. سلیمانی پورلک، مرتضی و حسین‌پور، علی. (۱۳۹۴). «کارکردهای آموزش و پرورش در پیشگیری از جرم». فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال دهم، شماره ۳۶.
۲۲. سیدزاده ثانی، سیدمهدی. (۱۳۹۰). «بازتاب عدالت کیفری در رسانه‌های گروهی، ضوابط و آثار». رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی.
۲۳. سید محسنی، سیدشهاب. (۱۳۷۹). «روابط عمومی، مردم پرسشگر، دولت پاسخگو». تهران، انتشارات هنر هشتم.
۲۴. سنگلجی، محمد، «قضا در اسلام»، دانشگاه تهران، ۱۳۳۸.
۲۵. شریف‌زاده، فتاح. (۱۳۸۲). «حکمرانی خوب و نقش دولت». تهران، انتشارات ققنوس.
۲۶. شیرینی، عباس. (۱۳۷۸). «درآمدی بر پیشگیری وضعی و گونه‌های آن». در: مجموعه مقالات همایش ملی پیشگیری از جرم، به کوشش دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا.
۲۷. شفایی، محسن، «رشوه و اقسام آن»، مجله کانون وکلا، س ۹، ش ۵۳-۵۴، صص ۵۱ و ۵۳.
۲۸. صفاری، علی (۱۳۸۰)، «مبانی نظری پیشگیری از وقوع جرم» مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳۳ و ۳۴، تهران، صص ۳۲۱-۲۶۷.
۲۹. طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه محمد تقی مصباح یزدی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، تهران، ۱۳۷۰، ج ۲ و ۵.
۳۰. طالقانی، سید محمود، تفسیر پرتوی از قرآن، ج ۳، تهران، شرکت سهامی انتشار، ج ۱.

۳۱. عبدالرحمن، حمد، **گفتار کوتاهی در باره رشوه**، ترجمه محمد صادقی، قم، مؤسسه مطلع الفجر، بی تا.
۳۲. محقق حلی، **شرایع الاسلام**، تهران، انتشارات استقلال، بی تا، مجلد ۳ و ۴، ص ۸۶۹.
۳۳. قاسمی، محمد و بارسلطان، سیده رویا. (۱۳۸۹). «**رسانه‌های جمعی و پیشگیری از جرم**». فصلنامه نظم و امنیت انتظامی، سال سیزدهم، شماره ۱۳.
۳۴. قهرمانی، علی اکبر. (۱۳۹۰). «**پلیس جامعه‌محور؛ نقش مشارکت مردم در پیشگیری از جرم**». فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال ششم، شماره ۱۸.
۳۵. کوسن، موریس. (۱۳۸۵). **جرم‌شناسی**. ترجمه میرروح‌اله صدیق، تهران، نشر دادگستر.
۳۶. معظمی، شهلا. (۱۳۸۶). «**پیشگیری جرم‌شناختی**». فصلنامه پژوهشی تحلیلی و آموزشی مجله، سال اول، تابستان، شماره ۱.
۳۷. میدری، احمد. (۱۳۸۲). **حکمرانی خوب**، بنیان توسعه. تهران، انتشارات مجلس.
۳۸. محبوبی منش، حسین. (۱۳۸۵). **تاملی کوتاه درباره آسیب‌های اجتماعی به عنوان مساله اجتماعی**. دانش انتظامی، 31-9: (3)8.
۳۹. منصور آبادی، عباس و ابراهیمی، شهرام. (۱۳۸۷). **تحولات مدیریت پیشگیری از جرم**، مطالعات پیشگیری از جرم، 8: 6-38.
۴۰. نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۸۲). **مباحثی در علوم جنایی**، تقریرات درس جرم‌شناسی مقاطع دکتری و کارشناسی ارشد، مجموعه دو جلدی به کوشش شهرام ابراهیمی ۱۳۸۳.
۴۱. وروایی، اکبر. (۱۳۹۴). «**نقش نظارت سازمانی در پیشگیری از جرایم و تخلفات کارکنان نیروی انتظامی**». فصلنامه نظارت و بازرسی، شماره ۳۱.
۴۲. هاشمی، حمید و فرهنگ، وحیدرضا. (۱۳۹۲). «**سیاست جنایی مشارکتی پلیس در بسترسازی امنیت اجتماعی محله‌محور**». فصلنامه دانش انتظامی پلیس پایتخت، سال ششم، شماره ۴.
۴۳. هاشمی شاهرودی، محمود. (۱۳۸۶). «**زمینه‌های ساختاری فساد اقتصادی در ایران و راهکارهای مقابله با آن**». مجله حقوقی دادگستری، زمستان، شماره ۶.
۴۴. یوسفی علی، اکبری حسین. (۱۳۹۰). **تاملی جامعه‌شناختی در تشخیص و تعیین اولویت‌های مسائل اجتماعی ایران**، مسائل اجتماعی ایران، 1: 195-223.
۴۵. **ب. منابع عربی:**
۴۶. آشتیانی، میرزا محمد حسن، **کتاب القضاء**، قم، انتشارات هجرت، ۱۳۶۲.
۴۷. امین بک، احمد، **شرح قانون العقوبات الاهلی**، القسم الخاص، قاهره، دار الکتب المصریه، ۱۹۲۴.
۴۸. انصاری، شیخ مرتضی، **المکاسب**، قم، منشورات دار الذخائر، ۱۴۱۱ ه.ق.
۴۹. جبعی عاملی، زین الدین، **الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه**، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳، ج ۳.
۵۰. حر عاملی، محمد حسین، **وسائل الشیعه**، تهران، مکتبه الاسلامیه، ۱۳۸۳ ه.ق، ج ۱۸، ص ۱۶۲ و ۱۶۳، ج ۱۲.

۵۱. خمینی، سید روح الله، **تحریر الوسيله**، قم، اسماعیلیان، بی تا، ج ۲،
خویی، سید ابو القاسم، **مبانی تکملة المنهاج**، نجف، مطبعة الآداب، بی تا، ج ۱،
۵۲. طریحی، فخر الدین، **مجمع البحرین**، تحقیق از سید احمد حسینی، مکتبه مرتضویه، بی تا.
۵۳. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، **عروة الوثقی**، ترهان، مطبعة الحیدری، ۱۳۷۷، ج ۲ و ۳،
۵۴. طباطبایی، سید علی، **ریاض المسائل**، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۴ ه.ق،
۵۵. عبدالملک، جندی، **الموسوعة الجنائیه**، ج ۴، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۵۶. محمد جعفر، علی، **قانون العقوبات**، بیروت، المؤسسة الجامعیة للدراسات و النشر و التوزیع، ۱۹۹۵
۵۷. **المنجد فی اللغة و الاعلام**، بیروت، دارالشروق، ۱۹۸۶.
۵۸. نجفی، محمد حسن، **جواهر الکلام**، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۹۸ ه.ق، ج ۴۰.

ج.منابع انگلیسی

59. Conrad, Peter. & Joseph, Schneider. (1992). **Deviance and Medicalization: form Badness to Stickness**. Philadelphia: Temple University Press.
60. Ekblom, P (2005) '**Designing Products against Crime**' in N. Tilley (ed.), Handbook of
61. Loseke, Donileen. R. (2003). Thinking about Social Problems: An Introduction to Social Constructionist Perspectives. New York: Aldine De Gruyter.
62. Spector, Malcolm and John Kituse. (1987). **Constructing Social Problems**. New York: Aldine de Gruyter.